

کتاب: رشد در خداوند نوشته: هومر دونکن مترجم: ط. میکائیلیان

فصل سوم: عادل به وسیله ایمان زندگی خواهد کرد

ما نه فقط به وسیله ایمان عادل میشویم یعنی عادل محسوب میگردیم (حقوق ۲ : ۴). بلکه باید به وسیله ایمان زندگی کنیم. وقتی به وسیله ایمان زندگی میکنیم کاملاً به خدا متکی هستیم. همان طوری که برای بخشش گناهانمان به او متوسل شدیم. حالا هم برای تامین احتیاجات روحانی و جسمانی خود به او اتکاء میکنیم. هیچ کس نتوانسته است با کوشش و تلاش خود را نجات بدهد. برای نجات یافتن ایمان داشته که کاری را که خودش نمیتواند انجام دهد خدا انجام خواهد داد. هیچ کس تاکنون نتوانسته است با سعی و کوشش شخصی زندگی مسیحی داشته باشد. انسان برای این که بتواند زندگی مسیحی داشته باشد باید اعتماد داشته باشد که آن چه خودش نمیتواند خدا قادر است برای او انجام دهد. هیچ کس نمیتواند با تکان دادن دست های خود از بالای اقیانوس پرواز کند هر چند کوشش زیادی هم بنماید. حتی نمیتواند در اطاق خود هم پرواز کند. همان طور که انسان نمیتواند پرواز کند به همان طریق قادر نیست با کوشش خود زندگی مسیحی داشته باشد.

ولی هر روز هزاران نفر از بالای اقیانوس پرواز میکنند. آن ها با کوشش خود این کار را انجام نمیدهند بلکه در يك هواپیمای غول پیکر سوار میشوند و کاملاً راحت مینشینند و در عرض چند ساعت به مقصد خود میرسند. مسیحی هم همین طور است زیرا در مسیح قرار دارد. باید در او راحت باشیم. او باید ما را از اقیانوس حیات عبور دهد. او ما را از جهنم آزاد میکند و به بهشت میبرد. تمام کار را او انجام میدهد. اگر ما کوشش کنیم او را کمک کنیم مانع کار او خواهیم شد. در واقع وقتی ما سعی مینمائیم به مسیح کمک کنیم او مجبور میشود منتظر بماند تا ما بفهمیم که هیچ کاره هستیم بعد از آن میتواند به ما کمک کند. زندگی با ایمان پر از شکرگذاری خواهد بود. ایمان خدا را برای تمام کارهایی که کرده است و میکند و خواهد کرد شکر و سپاس مینماید. ما به وسیله ایمان عادل شمرده میشویم (رومان ۵ : ۱) و باید با ایمان زندگی کنیم (غلاطیان ۲ : ۲۰).

نجات نتیجه فیض و لطف خدا است

لغت فیض را نمیتوان به خوبی تشریح کرد ولی برای آن که تا اندازه ای معنی آن را درک کنیم میتوان آن را لطفی که ما شایسته آن نیستیم معنی کرد. نجات ما از آغاز تا انجام در اثر فیض است. من و شما گناهکاران جهنمی و بیچاره ای بودیم. ما به هیچ وجه نمیتوانستیم خود را نجات دهیم. به وسیله ایمان عیسی مسیح را در قلب خود پذیرفتیم و فرزند خدا شدیم. گناهان ما در اثر فیض بیحد خدا بخشیده شد نه به این دلیل که ما شایسته و لایق نجات بودیم. حالا هم هر چند عضو خانواده خدا هستیم. در تمام کارهای خود کاملاً به خدا متکی هستیم. بدون کمک او هیچ کاری نمیتوانیم بکنیم (یوحنا ۱۵ : ۵). ما با قدرت خودمان نمیتوانیم زندگی مسیحی داشته باشیم. این گفتار باعث کوچکی و تحقیر ما میگردد. فکر میکنیم که کاره ای هستیم و نمیخواهیم خدا غیر از موارد استثنائی ما را کمک کند. عده زیادی زندگی مسیحی خود را شروع میکنند بدون این که به حقیقت فوق توجهی داشته باشند و در نتیجه با چنان شکستی رو

به رو میشوند که بدنای مسیح میگردد. این ها متوجه فساد و تباهی خود نیستند، از قدرت بیحد مسیح استفاده نمیکنند.

وقتی از زندگی سرد و بیثمر خود خلاص خواهید شد که بدانید ضعیف هستید و خود را فروتن سازید تا این که مسیح همه چیز شما باشد، فیض خدا نه فقط ما را فرزند خدا میسازد، بلکه به ما قدرت میدهد که هر روز مانند فرزندان خدا زندگی کنیم. اکنون که ما در فیض هستیم باید در فیض رشد نمائیم (دوم پطرس ۳ : ۱۸). همان طور که والدین ما مایل هستند جسما رشد کنیم خدا هم مایل است که ما روحا رشد کنیم. رشد جسمی و روحی بسیار طبیعی است. اگر مایل باشیم جسما رشد کنیم، باید اصول مخصوص را رعایت نمائیم. برای این که روحا رشد کنیم اصول معینی وجود دارد که باید پیروی نمائیم.

اطمینان نجات

خدا میل دارد که ما از نجات خود اطمینان داشته باشیم (اول یوحنا ۵ : ۱۳). او میخواهد که هم نجات پیدا کنیم و هم بدانیم که نجات داریم. مسیحی میدانند که فرزند خداست زیرا به وعده های عالی کلام خدا متکی میباشد. کتاب مقدس میفرماید: «به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱ : ۱۲). وقتی عیسی مسیح را با ایمان در قلب خود پذیرفتیم میتوانیم مطابق کلام خدا اطمینان داشته باشیم که فرزند خدا هستیم. وقتی شخصی مسیحی میشود در مسیح خلقت تازه ای است چیزهای کهنه در گذشت اینک همه چیز تازه شده است (دوم قرنتیان ۵ : ۱۷). اگر شخصی خود را مسیحی میخواند ولی زندگانش تغییر نیافته کاملا واضح است که هنوز تولد تازه ندارد. کتاب مقدس چند نوع محک در اختیار ما میگذارد تا بفهمیم در ایمان هستیم یا نه (دوم قرنتیان ۱۳ : ۵). تنها اقرار زبان کافی نیست.

۱- اگر مسیحی هستید باید کلام خدا را دوست داشته باشید. «همان طوری که کودک برای شیر مادرش گریه میکند شما هم چون طفل نوزاد در مسیح باید مشتاق شیر کالم خدا باشید» (اول پطرس ۲ : ۲).

۲- کلام خدا را به طرز جدیدی میفهمید «زیرا روح القدس در قلب شما ساکن است و آن چه را که مال مسیح است میگردد و به شما میفهماند» (یوحنا ۱۶ : ۱۴).

۳- اگر مسیحی هستید مایلید دعا کنید (رومیان ۸ : ۱۵). خواهید فهمید که خدا پدر شما است و از صحبت کردن با او بسیار شاد خواهید شد. با خوشحالی تمام نگرانی ها و بارهای خود را به حضور او بیاورید. دیگر دعا کردن شما فقط برای انجام تکلیف نخواهد بود بلکه برای شما افتخاری است که با خدای بزرگ تمام کائنات که اکنون پدر شما است صحبت کنید و مشارکت داشته باشید.

۴- اگر مسیحی هستید فرزندان خدا را محبت خواهید کرد. کتاب مقدس میگوید ما میدانیم که از موت گذشته داخل حیات گشته ایم از این که برادران را محبت مینمائیم. (اول یوحنا ۳ : ۱۴). ما از بودن با کسانی که آن ها را دوست داریم لذت میبریم. از دوستی و مشارکت با سایر ایمان داران و از دعا و پرستش و مطالعه کلام خدا با آن ها قلبمان شاد میگردد.

۵- محبت تازه ای در قلب شما نسبت به گمراهان به وجود میآید و خیلی میل دارید آن ها هم نجات پیدا کنند (دوم قرنتیان ۵ : ۱۴).

۶- اگر مسیحی هستید به زشتی گناه پی خواهید برد. به کارهایی که قبلا اشتباه نمیدانستید با نظر جدیدی نگاه میکنید.

۷- قبلا گفتیم که اگر مسیحی هستید ولی گناهان خود را اقرار نمیکنید به وسیله خداوند تنبیه خواهید شد. اگر خداوند شما را تنبیه میکند معلوم میشود که به او تعلق دارید. اگر خود را مسیحی میدانید و به گناهان خود اعتراف نمیکنید و با وجود این خداوند شما را تنبیه میکند معلوم میشود که به مسیح تعلق ندارید. به خاطر داشته باشید که خدا همیشه بعد از گناه بلافاصله شما را تنبیه نمیکند ممکن است گاهی مرتکب گناه شوید و ببینید که خدا شما را تنبیه نمیکند و خیالتان راحت باشد ولی مطمئن باشید که يك روز گناه گریبانتان را خواهد گرفت (اعداد ۳۲ : ۲۳). مسیحی نه فقط اطمینان دارد که در این دنیا نجات دارد بلکه میداند که بعد از مرگ به بهشت خواهد رفت. وقتی مسیحی میمیرد روحش که وجود اصلی اوست از بدن خاکی خارج میشود، و فوراً به حضور خداوند میرود (دوم قرننیا ۵ : ۸). بدن را ترك میکند نزد خداوند میشتابد. هیچ اشاره ای در کلام خدا وجود ندارد که مسیحی بعد از مردن برای پاک شدن به برزخ میرود و بعد به حضور خداوند میرسد.

در کلام خدا مکانی که برزخ باشد وجود ندارد. این موضوع از ساخته های مغز بشری است. این حقیقت در موقعی که عزیزان ما میمیرند باعث تسلی ما میگردد. وقتی بدن آن ها را در تابوت مشاهده میکنیم میدانیم که آن جا نیستند بلکه در حضور خداوند هستند. وقتی بدن آن ها در قبر قرار میگیرد میدانیم که در قبر نیستند بلکه با خداوند هستند. این موضوع در مورد گناه کارانی که تولد تازه ندارند صدق نمیکند. این چنین اشخاص وقتی بمیرند فوراً به جهنم میروند و در آن جا تا ابد میسوزند. آن دولت مند نیز مرد و او را دفن کردند. پس چشمان خود را در عالم اموات گشود خود را در عذاب یافت (لوقا ۱۶ : ۲۲ و ۲۳).